

A Review and Analysis of *Language Curriculum Design*

Maryam Dānāye Tous*

Abstract

The book on *Language Curriculum Design* elaborates the process of curriculum design and provides opportunities for practicing and applying them. The book, which was written by Paul Nation and John Macalister (2010), was translated into Persian by Mirdehghān, Majidi, Hajibāgheri and Farahi, and it was published in 2016. In this paper, the Persian version of the book was reviewed and criticized, and its strengths and weaknesses (formal and content shortcomings) were mentioned. Findings showed this book has some positive points, such as introducing the concept of curriculum and the process of designing second/foreign language curriculum in Iranian general linguistic society. However, neglecting some of the principles of writing and editing, not paying attention to some grammatical points, using some incorrect equivalents for some technical terms, and being inconsistent in using the equivalents for some terms are among the negative points which could somewhat prevent the readers of the book from getting the essence of some parts of the book that much. However, due to the fact that the curriculum and, in particular, the foreign/second language curriculum has been somehow neglected among Iranian general linguists, so the translation of this book in Persian has been necessary to fill this gap; hence, the effort of its translators is valuable and needs to be appreciated.

Keywords: Design, Language Curriculum, Foreign/Second Language

* Associate Professor, Linguistics, Department of English Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran, maryam.dana@gmail.com

Date received: 2020-09-30, Date of acceptance: 2021-02-20

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقد و تحلیل کتاب طراحی برنامه آموزشی زبان

مریم دانای طوس*

چکیده

کتاب «طراحی برنامه آموزشی زبان» فرایند طراحی برنامه درسی را با جزئیات توصیف می‌کند و فرصت‌هایی برای تمرین و کاربردی فراهم می‌آورد. این کتاب که نوشته پُل نیشن و جان مکالیستر است، در سال ۲۰۱۰ منتشر شده، توسط میردهقان، مجیدی، حاجی‌باقری و فرهی به زبان فارسی برگردان شده و در سال ۲۰۱۶ منتشر شده است. در این مقاله، برگردان فارسی کتاب، بررسی و نقد شده و بعضی از امتیازات و کاستی‌های آن برشمرده شده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه، این کتاب نکات مثبتی نظیر معرفی بحث برنامه درسی و فرایند طراحی آن در بافت آموزش زبان دوّم/خارجی در جامعه زبان‌شناسی عمومی ایران دارد. اما بی‌توجهی به بعضی از اصول نگارش و ویرایش، عدم رعایت پاره‌ای از نکات دستوری، معادل‌گذاری نادرست بعضی از الفاظ تخصصی و عدم کاربرد معادل بعضی از واژه‌ها به صورت یکدست در متن کتاب باعث می‌شود خواننده-های آن در مواردی نتوانند به‌گونه مطلوب پی برده و بهره‌لازم را از آن ببرند. اما، از آنجا که مبحث برنامه درسی و به‌ویژه برنامه درسی زبان دوّم/خارجی در میان زبان‌شناسان عمومی ایران تا حدودی مغفول مانده است، برگردان فارسی این کتاب برای پر کردن چنین خلایقی ضروری بوده و از این رو، تلاش مترجمان آن شایسته سپاسگزاری است.

کلیدواژه‌ها: طراحی، برنامه درسی زبان، زبان خارجی/دوّم

* دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان، رشت، ایران، maryam.dana@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

۱. مقدمه

کتاب «طراحی برنامه آموزش زبان» اثر پُل نیشن و جان مکالیستر (Paul Nation & John Macalister) است که در سال ۲۰۱۰ توسط انتشارات راتلج (Routledge Publication) منتشر شده است و میردهقان، مجیدی، حاجی‌باقری و فرهی آن را به زبان فارسی برگردان کرده‌اند. چاپ نخست این کتاب در قالب چهارده فصل (۴۰۱ صفحه)، یک ضمیمه (۳ صفحه)، واژه‌نامه فارسی به ترتیب حروف الفبا (۲۹ صفحه) و کتابنامه (۲۳ صفحه) در ۴۵۹ صفحه و به تعداد ۲۰۰ نسخه در سال ۱۳۹۵ توسط نشر خاموش منتشر شده است.

فصل اول کتاب به فرایند طراحی برنامه درسی و بخش‌های مختلف آن اعم از ملاحظات محیطی، کشف نیازها، پیگیری اصول، اهداف بلندمدت، محتوا و توالی، قالب و ارائه مواد، نظارت و ارزیابی، ارزشیابی دوره، تکالیف و مطالعات موردی می‌پردازد. فصل دوم به تحلیل محیط اختصاص دارد. در این فصل درباره عوامل تحلیل محیط، محدودیت‌های محیطی، درک محدودیت‌ها، الگوی دابین و اولشتاین (Dubin & Olshtain, 1986)، و تأثیر محدودیت زمانی بر طراحی دوره مطرح می‌شود. فصل سوم به تحلیل نیاز، کانون‌های مختلف تحلیل نیاز، کشف نیاز، ابزارهای تحلیل نیاز و ارزشیابی از تحلیل نیاز اختصاص دارد. در فصل چهارم، روش‌ها و اصول آموزش زبان مطرح می‌شود. فصل پنجم مباحثی مثل اهداف، محتوا و توالی ارائه می‌شود. فصل ششم به قالب و قسمت‌های دیگر فرایند طراحی برنامه درسی می‌پردازد. در فصل هفتم نظارت و ارزیابی و در فصل هشتم مبحث ارزشیابی مطرح می‌شود. فصل نهم به رویکردهای طراحی برنامه درسی اختصاص دارد. فصل دهم به برنامه درسی مباحثه‌ای می‌پردازد. فصل یازدهم درباره انتخاب و متناسب کردن کتاب درسی موجود است. در فصل دوازدهم، مبحث تغییر مطرح می‌شود و فصل سیزدهم به برنامه‌ریزی دوره ضمن خدمت اختصاص دارد. و در نهایت فصل چهاردهم به آموزش و طراحی برنامه درسی می‌پردازد. ضمیمه کتاب نیز به شمارش بسامد صورت فعلی از اچ. وی. جورج (۱۹۶۳) اختصاص یافته است.

۲. برنامه درسی (Curriculum) چیست؟

نظریه پردازان حوزه برنامه درسی، تعریف‌های متعددی برای مفهوم «برنامه درسی» پیشنهاد کرده‌اند. مثلاً، تایلر (Tyler, 1949) برنامه درسی را «همه یادگیری‌های دانش‌آموزان برای نیل

به هدف‌های آموزشی می‌داند که توسط مدرسه برنامه‌ریزی و هدایت می‌شود». اما تعریف جامع‌تری از برنامه درسی توسط گلاتثورن (Glatthorn, 1987) مطرح شد. او برنامه درسی را برنامه‌هایی می‌داند که برای هدایت یادگیری در مدارس تدوین می‌شود؛ غالباً در قالب اسنادی در چندین سطح بازنمایی می‌شود؛ در کلاس‌های درس توسط یادگیرندگان تجربه می‌شود و توسط مشاهده‌گر ثبت شده و عینیت پیدا می‌کند.

معمولاً لفظ «برنامه درسی» در دو معنای مرتبط به‌کار می‌رود. نخست، درباره مواد آموزشی یا برنامه مطالعاتی یک مؤسسه یا سیستم آموزشی به‌کار می‌رود. در چارچوب این تعریف، می‌توان از برنامه درسی مدرسه، برنامه درسی دانشگاه، برنامه درسی مدارس کشور فرانسه، یا برنامه درسی کشور روسیه سخن گفت. دوم، در معنایی محدودتر، لفظ «برنامه درسی» به‌صورتی مترادف با آنچه در دانشگاه‌ها و مدارس بریتانیا در قالب «طرح درس» یک درس یا دوره مطالعاتی خاص به‌کار می‌رود و به دوره مطالعاتی یا محتوای درس خاصی نظیر ریاضیات، تاریخ و ... اشاره دارد. با این حال، در سال‌های اخیر لفظ برنامه درسی نه تنها برای موضوع یا محتوای آموزشی بلکه برای کل فرایند آموزش شامل مواد، تجهیزات، امتحانات و آموزش معلمان و خلاصه همه مقیاس‌های آموزشی مربوط به آموزش یا مواد یک دوره مطالعاتی به‌کار می‌رود (Stern, 1983) و از این منظر می‌توان از برنامه درسی زبان، برنامه درسی ریاضیات و ... به‌صورت مجزا سخن گفت. بیشتر محققان عناصر برنامه درسی را شامل هدف‌های کلی و جزئی آموزشی، محتوای آموزشی، روش‌های یاددهی - یادگیری و روش‌های ارزشیابی می‌دانند (به نقل از میرزاییگی، ۱۳۸۰).

به نظر نونان (Nunan, 2003) تدوین برنامه درسی در سه مرحله انجام می‌شود. در مرحله اول، طرح درس (syllabus) طراحی می‌شود. منظور از طرح درس، رئوس مطالب یا خلاصه موضوعاتی است که باید در کلاس درس پوشش داده شود (Richards, 2001:2). در مرحله دوم، روش تدریس تعیین می‌شود و در مرحله سوم، روش ارزشیابی مشخص می‌شود که نتیجه یادگیری را اندازه می‌گیرد. به این ترتیب، معلوم می‌شود برنامه درسی و طرح درس الفاظ متفاوتی هستند که در فرایند یاددهی - یادگیری به یکدیگر بسیار مربوط هستند و ضروری است که وجوه تمایز طرح درس از برنامه درسی تبیین شود. در ادامه این وجوه تمایز مطرح می‌شوند.

برنامه درسی مفهوم گسترده‌ای است و شامل همه فعالیت‌هایی است که دانش‌آموزان در مدرسه انجام می‌دهند؛ همه آنچه دانش‌آموزان در مدرسه یاد می‌گیرند، شیوه یادگیری آن،

شیوه کمک به یادگیری آنها، مطالب کمکی موردنیاز برای یادگیری و سبک‌ها و روش‌های مورد استفاده در فرایند یاددهی و یادگیری را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، برنامه درسی به همه فعالیت‌هایی اشاره می‌کند که دانش‌آموزان زیر نظر مدرسه درگیر آن می‌شوند. این فعالیت‌ها نه تنها شامل محتوای آموزشی، بلکه شامل شیوه یادگیری آنها، شیوه یاددهی (تدریس)، استفاده از مطالب و وسایل کمک‌آموزشی و روش‌های ارزشیابی است. در مقابل، طرح درس کوچکتر از برنامه درسی است، زیرا فقط محتوای یک دوره و فهرست مطالب آموزشی و شیوه ارزشیابی آنها را پوشش می‌دهد.

برنامه درسی سندی نظری است و به برنامه مطالعاتی در یک نظام یا مؤسسه آموزشی اشاره دارد که به هدف‌های کلی و انتزاعی آموزشی می‌پردازد که فلسفه آموزشی و فرهنگی یک کشور، گرایش‌های ملی و سیاسی و نیز جهت‌گیری نظری به زبان و یادگیری آن را منعکس می‌کند. در واقع، برنامه درسی منطق کلی برای آموزش دانش‌آموزان فراهم می‌آورد و به بیانیه‌های کلی درباره یادگیری زبان، هدف یادگیری و تجربه و رابطه میان معلمان و یادگیرندگان می‌پردازد. در مقابل، طرح درس موضعی بوده و مبتنی بر تعریف از آن چیزی است که عملاً با کاربست برنامه درسی در کلاس درس توسط معلمان و دانش‌آموزان روی می‌دهد. به زبان ساده، طرح درس را می‌توان به صورت بیانیه‌ای از آنچه باید یادگرفته شود توصیف کرد. طرح درس به محتوا یا موضوع‌های مربوط به یک درس اشاره دارد، سندی عملیاتی همراه با جزئیات است که محتوای آموزش یک درس خاص را مشخص می‌کند. می‌توان گفت طرح درس نوعی برنامه است که هدف‌های کلی و انتزاعی برنامه درسی را در قالب هدف‌های جزئی و عینی یادگیری بیان می‌کند. درحالی‌که برنامه درسی، سندی نظری درباره خط‌مشی است، طرح درس دستورالعملی برای معلمان و یادگیرندگان است که نشان می‌دهد از طریق فرایند یاددهی و یادگیری چه چیزی باید کسب شود (Karavas, 2014).

مطالب پیش‌گفته مشخص می‌کند تدوین برنامه درسی فرایند جامع‌تری نسبت به برنامه‌ریزی برای طرح درس است. تدوین برنامه درسی شامل فرایندهایی است که تعیین نیازهای گروهی از یادگیرندگان، تدوین هدف‌های کلی یا جزئی برنامه‌ای که آن نیازها را مدنظر قرار می‌دهد تا طرح درس مناسب، ساختار دوره، روش‌ها و مواد تدریس و شیوه ارزشیابی از آموخته‌های یادگیرندگان را پوشش می‌دهد (Richards, 2001).

با توجه به اینکه زبان‌شناسان عمومی در ایران چندان به مبحث برنامه درسی و به‌ویژه برنامه درسی زبان دوم/خارجی نپرداخته‌اند، برگردان و چاپ کتاب «طراحی برنامه آموزش زبان» برای جبران این کمبود، ضروری بوده و در آشناکردن دانشجویان و اساتید علاقه‌مند به‌چنین مباحثی نه تنها در رشته زبان‌شناسی عمومی، بلکه در رشته علوم تربیتی و نیز کارشناسان و تدوین‌گران برنامه درسی زبان دوم/خارجی نقش مهمی دارد. در این مختصر پس از ذکر امتیازات کتاب، درباره مواردی بحث می‌شود که مخاطبان کتاب را با ابهام مواجه می‌کند، با این توضیح که ذکر این موارد برای کمک به مترجمان در رفع ایرادها در چاپ‌های بعدی اثر است و چیزی از ارزش‌های این کتاب نمی‌کاهد. باید دانست که به دلیل محدود بودن فضای مقاله، تنها چهار فصل نخست کتاب بررسی شد و آن چه می‌خوانید ماحصل بررسی این چهار فصل به عنوان نمونه‌ای از فصل‌های کتاب است.

۳. امتیازات کتاب

اگر بخواهیم به نقاط قوت برگردان فارسی این کتاب اشاره کنیم موارد زیر از امتیازات آن محسوب می‌شوند:

- مطرح کردن مفهوم برنامه درسی با تأکید بر برنامه درسی زبان در جامعه زبان‌شناسی عمومی ایران
- طرح موضوعات و مباحث مربوط به فرایند طراحی برنامه درسی زبان
- کم بودن موارد ایرادهای تایپی

۴. کاستی‌های کتاب

این قسمت در دو بخش صوری و محتوایی مطرح می‌شود. ابتدا کاستی‌های صوری و در ادامه کاستی‌های محتوایی شامل مطرح می‌شود.

۱.۴ کاستی‌های صوری

کاستی‌های صوری کتاب شامل کاستی‌های مربوط به ویژگی‌های فنی اثر (جهت انتشار کتاب به صورت چاپ به راست، درج شماره جدول‌ها به صورت اشتباه، نداشتن واژه‌نامه

انگلیسی به فارسی، نداشتن نمایه موضوعی و نمایه اسمی) و کاستی در ویرایش ادبی (اشکال در پانوشته‌ها، عدم رعایت بعضی از نکات دستوری، ناهموازی و ناروانی در متن کتاب) است.

الف - کاستی‌های مربوط به ویژگی‌های فنی اثر

کاستی‌های صوری کتاب با جلد آن شروع می‌شود که در جهت وارونه چاپ شده است و برخلاف رسم‌الخط فارسی که از راست به چپ است، نسخه فارسی کتاب از چپ به راست منتشر شده است. همچنین، واژه‌نامه تنها به صورت فارسی به انگلیسی تنظیم شده است و شاید بهتر باشد واژه‌نامه به صورت انگلیسی به فارسی هم به آن اضافه شود. بعلاوه، کتاب نمایه موضوعی و نمایه اسمی ندارد و شاید افزودن این موارد نیز بر غنای کتاب بیفزاید.

ب - کاستی در ویرایش ادبی

کاستی در ویرایش ادبی شامل اشکالاتی در پانوشته‌ها، عدم رعایت نکات دستوری (مثل انطباق فاعل و فعل و ...)، ناهموازی و ناروانی در متن کتاب بوده است. اشکال‌های ویرایشی پانوشته‌ها شامل وجود پانوشته‌های متعدد برای یک لفظ، عدم درج پانوشته در نخستین کاربرد واژه‌ای که نیاز به پانوشته دارد و گاه درج پانوشته در کاربردهای بعدی همان لفظ، وجود پانوشته‌های متعدد برای واژه‌هایی که نیازی به پانوشته ندارند و عدم درج پانوشته در مواردی که در متن پانوشته داده شده و یا درج پانوشته بی-ربط با لفظ موردنظر است. همان‌طور که گفته شد در موارد بسیار متعدد، لفظی که صورت انگلیسی آن در نخستین کاربرد در پانوشته مطرح می‌شود در صفحه‌ها و فصل‌های بعد این پانوشته تکرار می‌شود که علاوه بر غیرضروری بودن منجر به زیاد شدن حجم کتاب می-شود. در ادامه چند نمونه با شماره ص مطرح می‌شوند:

لفظ «برنامه آموزشی» در ص ص ۱، ۳ و تا پایان کتاب در موارد بسیار متعدد پانوشته داده شده است.
لفظ «تحلیل نیازها» در ص ص ۴، ۳۱... پانوشته داده شده است.
لفظ proficiency که به اشتباه به صورت «مهارت» برگردان شده است و معادل صحیح آن «بستگی» است، در ص ص ۵، ۲۲، ۳۳ و... پانوشته داده شده است.
لفظ تحلیل محیط که در ص ص ۴، ۸ و... پانوشته داده شده است.
در ص ۲۷، نام «نشین» که در ص ص ۱۱، ۱۸ و ۲۷ و... پانوشته داده شده است.
در سطر چهارم ص ص ۸۴ و ۱۲۲، «عمق پردازش» برای چندمین بار پانوشته داده شده است.

در مواردی در نخستین کاربرد یک واژه، پانویست ارائه نمی‌شود (سطر آخر پاراگرافِ نخست ذیل تیتراژ کمبدها در ص ۵۸، لفظ observer paradox به معنای «تناقض‌نمای مشاهده‌گر» پانویست ندارد) و گاهی برای چنین واژه‌هایی در کاربردهای بعدی آنها پانویست داده می‌شود. مثلاً لفظ «ارزیابی» که به‌عنوان معادلِ assessment درج شده در پاراگراف پایانی صفحه ۲ که نخستین بار مطرح می‌شود پانویست داده نمی‌شود و در ص ۵ پانویست داده می‌شود.

همچنین، معادل خارجی تعداد زیادی از واژه‌ها در پانویست مطرح می‌شوند که ذکر آنها هیچ ضرورتی ندارد. این موارد باعث شده است که نیمی از فضای صفحه‌های کتاب به پانویست‌های غیرضروری اختصاص پیدا کند. به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در ص ۴ «اصول، محیط، نیازها، کمبدها، دانش‌کنونی، زبان‌آموزان، منابع، زمان، مهارت، معلمان، تحدیدها، تحدید محیط، تحلیل نیازها، کاربرد اصول، اقلام زبانی» پانویست داده شده‌اند که ضرورتی نداشته است. همین مشکل درباره معادل خارجی الفاظ «نیازهای آینده»، «خواسته‌ها»، «اهداف بلندمدت»، «محتوا» و «توالی»، «نظارت» و «بازخوردگرفتن» در صفحه ۵ نیز صادق است.

- در جمله نخست ص ۱۱ نیازی نیست واژه‌های «فردی، دونفره، گروهی و کلاسی» پانویست داده شوند. نظیر این مشکل در صفحه‌های ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۳۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۷۷، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۸ و به‌طور کلی در اکثر صفحه‌های متن این کتاب به‌وفور مشاهده می‌شود که باعث افزایش غیرضروری حجم این کتاب می‌شود.

در جدول ۴-۱ ص ۷۸ و ۷۹، و نیز در جدول ۴-۴ ص ۱۲۳ در چندین مورد پانویست داده شده ولی پانویستی وجود ندارد. در ص ۸۴ نیز پانویست‌های ذیل تیتراژ «راهبردهای سازش» ربطی به عبارت‌های موردنظر ندارند.

از دیگر کاستی‌های ویرایشی متن کتاب، رعایت نکردن نکات دستوری مثل انطباق فاعل و فعل از نظر شمار است. برای نمونه می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

- در سطر سوم از پاراگراف سوم ص ۵ آمده است: ...توجه به محتوا تضمین می‌کند که مطالب برای زبان‌آموزان سودمند است و سبب پیشرفت تسلط زبانی آنها می‌شوند و می‌توانند از نظر میزان سودمندی و همچنین پوشش همه نیازهای مربوط به دانش زبانی متوازن، بهترین بازدهی را داشته باشند. همان‌طور که ملاحظه می‌-

شود برای نهاد «مطالب» فعل به صورت مفرد به کار رفته است «است»، و انتظار می‌رود در دو جمله بعدی که باز لفظ «مطالب» نهاد است، فعل به صورت مفرد به کار رود که این گونه نیست («می‌شوند»، «می‌توانند» و «داشته باشند»). نکته دیگر اینکه بهتر است به جای لفظ «پوشش»، لفظ «پوشش‌دهی» درج شود، به دنبال آن حرف اضافه «به» هم درج شود و فعل «داشته‌باشند» به شکل مفرد درج شود، به این صورت: و همچنین پوشش‌دهی به همه نیازهای مربوط به دانش‌زبانی متوازن، بهترین بازدهی را داشته باشد.

مشکلات ویرایشی متن کتاب شامل ناهم‌واری و ناروانی در متن کتاب، وجود جملات بسیار طولانی و وجود حرف ربط تکراری در فاصله کم است. در ادامه نمونه‌هایی از این موارد ذکر می‌شود.

- در جمله نخست ص ۱۱، لفظ «sequencing» در «individual sequencing» به صورت «ترتیب‌بندی فردی» برگردان شد که بهتر است به صورت «مرتب‌کردن» برگردان شود.
- در ص ۱۵، در قسمت مربوط به شماره ۲، receptive skills به صورت «مهارت‌های دریافتی» برگردان شده است که برگردان چندان جالبی نیست و شاید «مهارت‌های ادراکی» معادل بهتری باشد. همچنین، develop specific skills به صورت «پیشرفت مهارت‌های خاص» ترجمه شده است که جالب نیست و بهتر بود به صورت «شکل دادن به مهارت‌های خاص» ترجمه می‌شد.
- در سطر هفتم ص ۱۳، جمله‌ای طولانی هست که تا ۵ سطر بعدی ادامه داشته و نیاز به ویرایش جدی دارد: ...مثالی قابل توجه از این دست، شکست دوره‌هایی.....مجموعه‌های واژگانی (هیگا، ۱۹۶۳؛ تینکهام، ۱۹۹۳). در ادامه همین جمله، جمله بعدی نیز نیاز به ویرایش دارد: «...علی‌رغم یافته‌های شفاف پژوهش یادشده که از طریق..... را در یک درس ادامه می‌دهند».
- در پاراگراف نخست ص ۱۴ ذیل تیترا «اهداف بلندمدت»، جمله به ویرایش نیاز دارد: ...بدان دلیل که تشخیص این که ضروری است. در ص ۳۵، در سطر دوم، ذیل تیترا «محدودیت‌های محیطی»، دو بار در یک جمله به فاصله کمی از یکدیگر حرف ربط «که» به کار رفته است که جالب نیست (...به مثابه فهرستی به کار رود که جزئیاتی را که ...).

- در ص ۱۵ ذیل شماره ۳ آمده است: «زبان انگلیسی را به سلیسی و روانی صحبت کنند» که بهتر بود به این صورت برگردان می شد: «زبان انگلیسی را به طور سلیس و روان صحبت کنند». همچنین، When communicating به صورت «در ارتباطات» برگردان شده است که بهتر بود به صورت «به هنگام برقراری ارتباط» برگردان شود.
- در ص ۱۸ وسط متن فارسی، حروف الفبای انگلیسی درج شده است: «جورج ۱۹۶۳a، ۱۹۶۳b، ۱۹۷۲» که شایسته بود به صورت «جورج ۱۹۶۳ الف، ۱۹۶۳ ب، ۱۹۷۲» برگردان شود. در سطر آخر همین صفحه، به جای «آگاهانه تر»، بهتر بود لفظ «آگاهانه» به کار رود.
- در ص ۱۹ ذیل شماره ۵ آمده است: «...اما برای طراحان برنامه آموزشی بهتر است که با در نظر گرفتن عوامل پیش زمینه زبان آموزان شان و خواسته های آنان، خودشان فهرست هایی ارائه دهند.»، که بهتر است به این صورت برگردان شود: «...اما بهتر است طراحان برنامه آموزشی فهرست های خود را با در نظر گرفتن عوامل پیش زمینه ای و نیازهای زبان آموزان خود تدوین کنند».
- جمله نخستین پاراگراف انتهای ص ۲۰ («در داشتن قالب تعیین شده برای درس چندین مزیت یافت می شود») به ویرایش نیاز دارد به این صورت: «داشتن قالب تعیین شده برای درس چندین مزیت دارد». بعلاوه، دو جمله بعدی آن هم نیاز به ویرایش و بازبینی دارد.
- سطر چهارم از انتهای ص نیاز به ویرایش و بازبینی دارد: «گفتنی است نخستین ارائه یک مورد به مهمی تکرارهای بعدی آن است»... که می شود به این صورت برگردان کرد: «گفتنی است نخستین ارائه یک مورد به اندازه تکرارهای بعدی آن اهمیت دارد». بعلاوه، در جمله انتهای همین صفحه، لفظ established به صورت «تثبیت» برگردان شده است که بهتر بود به صورت «نهادینه» ترجمه شود.
- در پاراگراف سوم از ص ۲۱، جمله «...این اصول نه تنها ارائه را در نظر می گیرند، ...سلیسی کلام را در بردارند» به ویرایش و بازبینی نیاز دارد.
- در سطر سوم از پاراگراف آخر ص ۲۶، a short case study of curriculum design به صورت «یک مطالعه موردی کوتاه طراحی برنامه آموزشی» برگردان شده است، درحالی که شایسته بود به صورت «یک مطالعه موردی کوتاه برای طراحی برنامه درسی» برگردان شود. در همین پاراگراف، English Teaching Forum به صورت

- «مکان گفت‌وگوی آموزش انگلیسی» برگردان شده است، درحالی‌که شاید بهتر بود به صورت «رسانه عمومی برای آموزش زبان انگلیسی» برگردان شود.
- نخستین جمله فصل ۲ در ص ۳۱: ...تحلیل محیط (تسمر، ۱۹۹۰) بررسی عواملی که تأثیر زیادی بر تصمیم‌گیری اهداف دوره دارند، آنچه باید در دوره گنجانده شود و چگونگی آموزش و ارزیابی آن را شامل می‌شود. ... نیاز به ویرایش دارد و شاید بتوان آن را به این صورت اصلاح کرد:
- ... تحلیل محیط (تسمر، ۱۹۹۰) شامل بررسی عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری درباره اهداف دوره، آنچه باید در دوره گنجانده شود و چگونگی آموزش و ارزیابی آن می‌شود.
- در ص ۳۳، در شماره ۳ مطرح می‌شود: ...زبان‌آموزان می‌دانستند که قادرند به آسانی بیشتری تا به زبان انگلیسی. که شاید بهتر بود به این صورت برگردان می‌شد: ... زبان‌آموزان می‌دانستند که می‌توانند با سهولت بیشتری تا به زبان انگلیسی.
- در ص ۳۷ ردیف نوزدهم جدول، «برای» در «آیا دوره برای چندین بار اجرا می‌شود؟» زائد است.
- در ص ۳۹، نخستین جمله ذیل تیتراژ «درک محدودیت‌ها» به این صورت برگردان شده است: «معمولاً ضروری است که برای درک کامل یک محدودیت، ماهیت محدودیت در محیطی که کار می‌کنید، بررسی شود و همچنین پژوهش‌های پیشین در این زمینه آزمایش شوند.» شاید بهتر باشد جمله یادشده به این صورت برگردان شود: «به منظور درک کامل یک محدودیت، بررسی ماهیت آن در محیطی که کار می‌کنید و بررسی پژوهش‌های پیشین درباره آن ضرورت دارد.»
- در ص ۳۹، جمله آخر دومین پاراگراف ذیل تیتراژ «درک محدودیت‌ها» به این صورت برگردان شده است: «طراحی برنامه آموزشی ای که به خوبی صورت گرفته است، به پژوهش و نظریه توجه نشان می‌دهد تا بهترین شرایط ممکن را برای یادگیری به روز فراهم سازد.» این جمله می‌تواند به این صورت ویرایش شود: «طراحی برنامه درسی با کیفیت باید با توجه به پژوهش و نظریه انجام شود، به طوری که بهترین شرایط ممکن را برای یادگیری به روز فراهم آورد.»
- در ص ۴۲، جمله نخست ذیل تیتراژ «تأثیر محدودیت زمانی بر طراحی دوره» که به صورت «بر محدودیت زمانی به دو روش می‌توان فائق آمد...» برگردان شده است، به ویرایش نیاز دارد.

- در پاراگراف آخر ص ۴۳، جمله « Good environment analysis draws on both analysis of the environment and application of previous research and theory.» به صورت «تحلیل محیطی که به خوبی انجام گرفته باشد، از هر دو منبع تحلیل محیط و کاربرد و پژوهش و نظریه پیشین بهره می برد.» ترجمه شد که به ویرایش نیاز دارد و صورت ویرایش شده اش می تواند به این صورت باشد: «تحلیل محیط با کیفیت هم به تحلیل محیط و هم به کاربرد پژوهش و نظریه پیشین متوسل می شود».
- در ص ۴۵ در شماره ۲ ذیل «مطالعات موردی»، وسط متن فارسی، مخفف SRA به صورت انگلیسی درج شده است که صحیح نیست. بعلاوه، شایسته بود شکل کامل این مخفف در پانویست درج شده و درباره اش توضیح داده شود.
- در پاراگراف آخر ص ۵۴، وسط متن فارسی ارجاع به لانگ به صورت «لانگ (۲۰۰۵)» آمده که چندان جالب نیست و می توانست به صورت «لانگ (۲۰۰۵ الف)» برگردان شود.
- جمله نخست پاراگراف آخر ص ۵۷، نیاز به ویرایش دارد: «بسیاری از این پیشنهادها برای طراحی دوره انگلیسی برای اهداف دانشگاهی با بافت خاصی قابل کاربرد هستند.» این جمله می تواند به این صورت ویرایش شود: «بسیاری از این پیشنهادها برای طراحی دوره انگلیسی برای اهداف دانشگاهی در بافت خاصی کاربرد دارند».
- در آخرین عبارت ص ۱۰۱، «fluency development» به صورت «ارتقای سلیسی کلام» برگردان شده است که برگردان جالبی نیست.
- جمله نخست از پاراگراف سوم ص ۱۲۴ به ویرایش نیاز دارد (...برخی از این عوامل عاطفی را معلم ممکن است تحت تأثیر قرار دهد).
- در سطر آخر ص ۱۲۸، عبارت «میزان موفقیت درکش از پیام» به ویرایش نیاز دارد و می تواند به صورت «میزان درک موفق خود از پیام» برگردان شود.
- در سطر پنجم از شماره ۳ ص ۱۳۲، عبارت «RELC Journal» به صورت «مجله رلک» برگردان شده و همین صورت مخفف انگلیسی بدون شکل کامل آن در پانویست آمده است و حال آنکه شایسته بود مخفف «RELC» به صورت «آر ای ال سی» برگردان شود و شکل کامل آن یعنی «Regional Language Centre» نیز علاوه بر صورت مخفف در پانویست مطرح شود.

ایرادهای تایپی نیز هرچند به میزان کم در متن کتاب وجود دارد. می‌توان به عنوان نمونه به موارد زیر اشاره کرد:

در پاراگراف نخست ص ۱۴، همزه در «به‌منابه» ضرورتی ندارد و باید حذف شود.
در سطر آخر صفحه ۱۲، ایراد تایپی وجود دارد (به).
در سطر هشتم ص ۶۳، لفظ «عمومی» ایراد تایپی دارد.
پاراگراف دوم ص ۱۱۳، لفظ «به دست‌آوردن» اشکال تایپی دارد.
در انتهای سطر هفتم ص ۱۳۳، لفظ «اصل‌محور» ایراد تایپی دارد.

۲.۴ کاستی‌های محتوایی

کاستی‌های محتوایی شامل جا گذاشتن قسمت‌هایی از متن اصلی و برگردان نکردن آنها، اشکالاتی در معادل‌گذاری الفاظ تخصصی و عدم کاربرد معادل بعضی از واژه‌ها به صورت یکدست است. در ادامه نمونه‌هایی مربوط به تک‌تک این موارد مطرح می‌شود.

الف. برگردان نکردن قسمت‌هایی از متن اصلی

همان‌طور که گفته شد بخشی از کاستی محتوایی متن کتاب ناشی از برگردان نکردن قسمت‌هایی از متن اصلی و گاه جا انداختن یک واژه به‌هنگام برگردان است. نمونه‌هایی از این نوع کاستی عبارتند از:

- در نسخه اصلی کتاب، پس از جلد کتاب و پیش از فهرست مطالب، دو پاراگراف توضیح درباره کتاب مطرح شده است و سپس شرحی کوتاه درباره هر کدام از نویسندگان کتاب ارائه می‌شود که در نسخه برگردان شده، این موارد نادیده گرفته شده است.

- در آغاز ص ۴۴، در جمله نخست ذیل «تکلیف ۱: دامنه محدودیت‌ها»، لفظ brainstorm برگردان نشده است. به عبارت دیگر، جمله «Brainstorm to create a list of constraints that may significantly affect the design of courses.» به صورت «فهرستی از محدودیت‌هایی ایجاد کنید که ممکن است به‌طور قابل توجهی بر طراحی دوره‌ها تأثیر بگذارند.» برگردان شده است.

ب. اشکالاتی در معادل‌گذاری الفاظ تخصصی

بخش دیگری از کاستی‌های محتوایی به نارسایی یا معادل‌گذاری نادرست الفاظ تخصصی رشته مطالعات برنامه درسی مربوط می‌شود. از کسانی که به ترجمه اثری در

زمینه برنامه درسی اقدام می کنند انتظار می رود از واژهنامه تخصصی رشته مطالعات برنامه درسی استفاده کنند یا حداقل درباره معادل های الفاظ تخصصی از اهل فن معادل های جافتاده را بپرسند. متأسفانه در موارد متعدد مشاهده می شود که مترجمان چنین نکرده اند. این موارد در ادامه مطرح می شوند:

- در عنوان کتاب، ص ۱ و در سراسر کتاب لفظ curriculum به صورت «برنامه آموزشی» برگردان شده است و حال آنکه این لفظ معادل «برنامه درسی» است که لفظی جافتاده در میان اهل فن است.

- در ص ۳ جمله زیر به صورت «طراحی برنامه آموزشی گونه ای از فعالیت نوشتاری به شمار می رود که می توان آن را به مثابه فرایندی سودمند مطالعه کرد» برگردان شده است.

Curriculum design can be seen as a kind of writing activity and as such it can usefully be studied as a process.

در حالیکه شاید برگردان آن به صورت زیر بهتر باشد:

«می توان به طراحی برنامه درسی در قالب نوعی فعالیت نوشتاری نگریست و به همین ترتیب می توان آن را به طرز عملیاتی در قالب یک فرایند مطالعه کرد.»

- در ص ۴ لفظ teaching به صورت «آموزش» ترجمه شده است که بهتر بود به صورت «یاددهی» برگردان شود. معمولاً هر زمان که الفاظ teaching and learning در کنار هم به کار بروند در قالب «یاددهی و یادگیری» برگردان می شوند. در همین صفحه، لفظ «زیرفرایند» در مقابل sub-process به کار رفته است که بهتر بود به صورت خرده فرایند برگردان شود.

- در سطر نخست ص ۵، پاراگراف دوم ص ۲۲، پاراگراف اول ص ۴۲، پاراگراف آخر ص ۴۳، پاراگراف دوم ص ۵۹ (سطور دهم، یازدهم و شانزدهم) و همینطور تا پایان این کتاب، لفظ proficiency به صورت «مهارت» ترجمه شده است که معادل درستی نیست. معادل صحیح آن، «بسندهی» است.

- در پاراگراف دوم ص ۵، لفظ syllabus به صورت «برنامه درسی» برگردان شده است که معادل صحیحی نیست و معادل صحیح آن «طرح درس» است. به همین ترتیب، عبارت negotiated syllabus در صفحه های ۱۲، ۲۹۱ و ... به اشتباه به صورت «برنامه درسی مباحثه ای» برگردان شده است.

- در سطر سوم از پاراگراف سوم ص ۵ آمده است: ...قسمت محتوا و توالی در دایره درونی بیانگر نکات آموزشی و ترتیب یادگیری آنها در دوره و همچنین نشانگر محتوای طرح‌هاست... که شاید بهتر باشد به این صورت برگردان شود: ...قسمت محتوا و توالی در دایره درونی بیانگر نکات آموزشی و ترتیب یادگیری آنها در دوره و همچنین نشانگر محتوای دوره است.
- برای لفظ *assessment* در ص ۶ معادل «ارزیابی» و برای لفظ *evaluation* معادل «ارزشیابی» منظور شده است و در سطر چهارم ص ۱۶ *assessment* به صورت «ارزشیابی» برگردان شده است. در ص ۲۲ نیز *assessing* به صورت «ارزیابی» برگردان شده است و این اشکال در جدول ص ۲۸ و نیز تا پایان کتاب ادامه دارد. این در حالی است که معادل جافتاده برای *assessment*، لفظ «سنجش» است و معادل جافتاده برای *evaluation* لفظ ارزشیابی است.
- در پاراگراف نخست ص ۱۰ لفظ *communicatively based course* به صورت «دوره آموزشی زبان ارتباطی» برگردان شده است که صحیح نیست و شاید بهتر باشد به صورت «دوره آموزشی ارتباط‌محور» برگردان شود در مقابل «دوره آموزشی دستورمحور» که مترجمان برای *grammar-based course* در انتهای همان پاراگراف درج کرده‌اند.
- در جمله نخست از پاراگراف آخر ص ۱۰، «هر عامل مهمی باید با یک یا چند نتیجه همراه باشد»، لفظ «effect» به صورت «نتیجه» ترجمه شد که صحیح نیست و برگردان صحیح آن به صورت «اثر» است.
- در پاراگراف نخست ص ۱۲ برای لفظ *reliability* دو معادل گذاشته شده است («پایایی» و داخل پرانتز هم «اعتماد» درج شده). برای این لفظ، معادل «پایایی» جافتاده است و «اعتماد» معادل صحیحی برای این واژه نیست.
- در پاراگراف نخست ص ۱۴، *material development* به صورت «پیش‌ریزی مواد آموزشی» برگردان شده است که صحیح نیست و «تهیه و تدوین متون درسی» معادلی جافتاده برای این عبارت است.
- در ص ۱۵، در قسمت مربوط به شماره ۲، برگردان *Trio aims to* به صورت «اهداف سه‌گانه برای» ناصحیح است و برگردان آن مثلاً می‌تواند به این صورت باشد: «قصد سه‌گانه‌ها نیل به موارد زیر است...». در آغاز شماره ۳ همین صفحه، لفظ *passages*

به صورت «کتاب متون» برگردان شده است که بهتر بود به صورت «متن‌ها» برگردان شود. در همین صفحه، در جمله پایانی پاراگراف اول، ذیل تیتراژ «محتوا و توالی»، جمله
...It may also happen that items are not being met often enough to establish them.

به صورت «همچنین ممکن است این اتفاق روی دهد که اقلامی که به اندازه کافی با آنها مواجه نمی‌شوند پایدارنمانند» برگردان شده است که برگردان جالبی نیست و شاید بهتر باشد این گونه ترجمه شود: «همچنین احتمال دارد با بعضی اقلام به اندازه کافی برخورد نمی‌شود که معرفی شوند».

- در ص ۱۷، *General Service List of English Words* به صورت «فهرست خدمات عمومی واژگان انگلیسی» برگردان شده است، حال آنکه این عبارت به معنای «فهرست متداول‌ترین واژه‌های زبان انگلیسی نوشتاری» است.

- در صفحه ۱۸، «frequency lists of verb forms and verb groups» به صورت «فهرست‌های بسامد اشکال و گروه‌های فعلی» برگردان شده است که برگردان نیست، زیرا «verb form» به معنای «صورت‌های فعلی» و «verb groups» به معنای افعال گروهی است. نمی‌توان عبارت «verb groups» را «گروه‌های فعلی» برگردان کرد زیرا «گروه فعلی» در برابر «verb phrase» به کار می‌رود. همچنین، در همین صفحه، «grading schemes for simplified readers» به صورت «طرح‌های مدرج برای متون خواندن ساده‌شده» برگردان شده است، حال آنکه به معنای «طرح‌های سطح‌بندی شده برای کتاب‌های ساده‌شده» است.

- در ص ۱۹، لفظ «زیرمهارت» در مقابل sub-skill به کار رفته است که بهتر بود به صورت خرده‌مهارت برگردان شود.

- در ص ۱۹ در شماره ۴، جدول ۳.۲ ص ۵۳، «listening, speaking, reading and writing» به صورت «شنیداری، گفتاری، خوانداری و نوشتاری» برگردان شده است و بهتر بود به صورت «گوش‌دادن، سخن‌گفتن، خواندن و نوشتن» برگردان می‌شد.

- در سطر آخر همین صفحه نیز لفظ achieveable به صورت «قابل رسیدنی» برگردان شده است که صحیح نیست و بهتر است به صورت «دست‌یافتنی» برگردان شود.

- در پاراگراف سوم از ص ۲۱، لفظ substantial به صورت «ضروری» ترجمه شده است (...مجموعه ای ضروری از اصولی که لازم است...) و شاید بهتر بود به صورت «قابل ملاحظه» برگردان شود.

- در ص ۲۰، در انتهای پاراگراف نخست، لفظ cyclical به صورت «چرخشی» برگردان شده است که نادرست است. لفظ چرخشی در برابر rotational به کار می‌رود و برای cyclical لفظ «چرخه‌ای» به کار می‌رود.
- در پاراگراف دوم ص ۲۲، عبارت achievement test به صورت «آزمون موفقیت» ترجمه شده است، درحالی‌که معادل جاافتاده آن «آزمون پیشرفت تحصیلی» است.
- در جدول ۱. ۱ ص ۲۸، در توضیح مربوط به تحلیل محیط، لفظ ranked order به صورت «به ترتیب درجه بندی» برگردان شده است، در حالی که بهتر بود به صورت «به ترتیب رتبه» برگردان شود. در سطر هشتم از پاراگراف نخست ص ۵۴ نیز لفظ «ranking» به صورت «درجه بندی کردن» برگردان شده که صحیح نیست و شاید «رتبه بندی کردن» برگردان بهتری باشد.
- در ص ۳۴، در پاراگراف دوم مطلب مربوط به شماره ۳ (listening and speaking games) به اشتباه به صورت «گوش دادن و صحبت کردن درباره بازی‌ها» برگردان شده است و برگردان صحیح آن به صورت «بازی‌های مربوط به گوش دادن و سخن گفتن» است. بعلاوه، مترجمان این کتاب برای «talking» و «speaking» یک معادل (صحبت کردن) به کار برده‌اند که صحیح نیست و بهتر است برای «speaking» معادل «سخن گفتن» به کار برود. باید دانست «صحبت کردن» که در مقابل «talking» به کار می‌رود (و مترجمان برای همین لفظ در شماره ۵ به درستی به کار برده‌اند) توانایی صحبت کردن به صورت غیررسمی و در زندگی روزمره است. اما «سخن گفتن» که در مقابل «speaking» به کار می‌رود مهارت صحبت کردن در محیط‌های رسمی و آکادمیک است که مستلزم رعایت فنون خاصی است (دانای طوس، ۱۳۹۰).
- در ص ۳۷ ردیف نهم جدول ۲. ۱، جمله «is the course intensive?» به صورت «آیا دوره پر قدرت است؟» برگردان شده است که صحیح نیست و شاید «آیا دوره فشرده است؟»، برگردان بهتری باشد.
- در ص ۳۷ ردیف شانزدهم جدول ۲. ۱، جمله «is it worth developing the course?» به صورت «آیا دوره ارزش پیشرفت دارد؟» برگردان شده است که صحیح نیست و شاید «آیا ارزش دارد که دوره را ایجاد کنیم؟»، برگردان بهتری باشد.
- در ص ۳۸، جمله «majority-language speakers doubt the target language has contemporary relevance» به این صورت برگردان شده است: «اکثریت گویشوران

- زبان در این که زبان مقصد ارتباط هم‌زمان دارد تردید دارند» که برگردان صحیحی به نظر نمی‌رسد.
- در ص ۳۹، نخستین جمله ذیل تیترا «درک محدودیت‌ها» و نیز در نخستین جمله پاراگراف بعدی در همین صفحه، لفظ «examination» به صورت «آزمایش کردن» برگردان شده است که صحیح نیست.
 - در پاراگراف آخر ص ۴۲، «self-study» به صورت «مطالعه انفرادی» برگردان شده است که صحیح نیست و برگردان صحیح آن به صورت «خودخوانی» است.
 - در ص ۴۵ در شماره ۲، ذیل «مطالعات موردی»، در انتهای همین شماره، لفظ «increase» به صورت «ارتقاء» برگردان شده است که صحیح نیست، ضمن اینکه جمله حاوی آن «...سطوح رفته‌رفته از نظر طول متن و دشواری متن ارتقا می‌یابند»، به ویرایش نیاز دارد. شاید بتوان جمله موردنظر را به این صورت ویرایش کرد: «...به-تدریج طول و دشواری متن در سطوح یادشده افزایش پیدا می‌کند».
 - در پاراگراف نخست ص ۵۱ و در جدول ۳.۳ ص ۵۵، لفظ «self-assessment» به صورت «خودارزیابی» برگردان شده، درحالی‌که برگردان صحیح آن به صورت «خودسنجی» است.
 - در جدول ۳.۳ ص ۵۵، عبارت «proficiency testing» به صورت «آزمون مهارت» برگردان شده، که برگردان صحیحی نیست.
 - در ص ۵۶ در پاراگراف نخست ذیل تیترا «ضروریات»، لفظ «assignment» به صورت «مشق» ترجمه شده است که ترجمه جالبی نیست، به‌ویژه در سطر نخست ص ۵۷ (در بافت دانشگاه) لفظ «مشق» برگردان صحیحی نمی‌تواند باشد.
 - در ص ۵۸ سطر آخر نخستین پاراگراف ذیل تیترا «کمبودها»، عبارت «observer paradox» به صورت «به‌وجود آمدن تناقض در مشاهده‌گر» برگردان شده است که صحیح نیست و برگردان صحیح آن به صورت «تناقض‌نمای مشاهده‌گر» است.
 - در سطر سوم ذیل تیترا «خواسته‌ها» در ص ۶۰، لفظ «analyst» به صورت «تحلیل» برگردان شده است که صحیح نیست و برگردان صحیح آن به صورت «تحلیل‌گر» است.

- در انتهای سطر هفتم و آغاز سطر هشتم ص ۶۱، الفاظ «discussion» و «negotiation» به صورت «بحث و مباحثه» برگردان شده اند که صحیح به نظر نمی‌رسد و شاید «بحث و مذاکره» برگردان بهتری باشد.
- در سطر دوم از انتهای ص ۶۳، لفظ «items» به صورت «موارد» برگردان شده، در حالیکه معادل صحیح آن «اقلام» است. در همین قسمت «high-frequency widely used grammatical items» به صورت «موارد دستوری پرکاربرد پرسامد» برگردان شده، در حالیکه شاید بهتر بود به صورت «اقلام دستوری پرسامدی که کاربرد گسترده‌ای دارند» برگردان شود. به علاوه، «پرکاربرد پرسامد» به نوعی حشو هم دارد.
- در سطر ششم ص ۶۴، لفظ «curve» به صورت «انحنای» برگردان شده است که صحیح نیست و برگردان صحیح آن به صورت «منحنی» است.
- در سطر آخر ص ۶۴، «social constructionist theory» به صورت «نظریه ساختاری اجتماعی» برگردان شده است، در حالیکه معادل جاافتاده آن به صورت «نظریه ساختن گرایانه اجتماعی» است.
- در شماره ۳ ص ۶۵، «critical needs analysis» به صورت «تحلیل نیازهای اساسی» برگردان شده است که صحیح نیست و برگردان صحیح آن به صورت «تحلیل نیاز انتقادی» است.
- در انتهای پاراگراف نخست ص ۷۶، لفظ «assessed» به صورت «ارزیابی شود» و در انتهای ص ۷۹، ص ۸۰ و نیز در تیترو متن ص ۱۲۸ لفظ «assessment» به صورت «ارزیابی» برگردان شده است، در حالی که برگردان صحیح آنها به صورت «مورد سنجش قرار بگیرد/سنجیده شود» و «سنجش» است.
- در شماره ۳ ص ۸۳، «graded reader» به صورت «خواندن درجه بندی شده» برگردان شده است که نادرست است و برگردان صحیح آن به صورت «کتاب‌های سطح بندی شده» است. در همین قسمت، «graded listening» به صورت «شنیدن درجه بندی شده» برگردان شده است که صحیح نیست و برگردان صحیح آن به صورت «گوش دادن سطح بندی شده» است.
- در سطر پنجم ص ۸۴ لفظ «mnemonic strategies» به صورت «راهبردهای حفظی» برگردان شده است که صحیح نیست و برگردان صحیح آن به صورت «راهبردهای یادیار» است. در همین صفحه ذیل تیترو «درونداد»، لفظ «peer interaction strategy»

به صورت «راهبردهای تعامل با همکلاسی» برگردان شده است که صحیح نیست و برگردان صحیح آن به صورت «راهبردهای تعامل با همسالان» است. در همین صفحه، تیترا «coping strategies» به صورت «راهبردهای سازش» برگردان شده است که صحیح به نظر نمی‌رسد. زیرا این عبارت، به معنای راهبردهای برخورد یا مواجهه با موقعیت‌هایی است که در آن‌ها یک گویشور غیر بومی در استفاده از زبان مقصد با مشکلاتی روبرو است و سعی می‌کند با کمک این راهبردها از پس آن مشکلات برآید. اگر بتوان این کار را نوعی مدیریت دانست، شاید بتوان آن را به صورت «راهبردهای مدیریت» برگردان کرد.

- در سطر هشتم ص ۸۵ عبارت «reflection on learning» به صورت «انعکاس در یادگیری» برگردان شده است که صحیح نیست و برگردان صحیح آن به صورت «تفکر درباره یادگیری» است.
- در ص ۸۷ عبارت «underlying concept» به صورت «مفهوم زیرین» برگردان شده است که نادرست است و برگردان صحیح آن به صورت «مفهوم زیربنایی» است. همچنین، در سطر سوم ذیل شماره همین صفحه و نیز در ص ۸۸ «cohesive devices» به صورت «فنون منسجم» برگردان شده است که صحیح نیست و برگردان صحیح آن به صورت «ابزار انسجام» است.
- در سطر سوم پاراگراف نخست ص ۹۰ عبارت «dialogue maintenance strategies» به صورت «راهبردهای درک گفت‌وگو» برگردان شده است که صحیح نیست و شاید برگردان آن به صورت «راهبردهای تداوم گفت‌وگو» بهتر باشد.
- در سطر آخر ص ۹۲ عبارت «relative clauses» به صورت «بند‌های وابسته» برگردان شده است که صحیح نیست و برگردان صحیح آن به صورت «بند‌های موصولی» است.
- در شماره ۹ جدول ۴. ۲ ص ۹۳، لفظ «particle» به صورت «جزء» برگردان شده است که صحیح نیست و شاید برگردان آن به صورت «ادات» بهتر باشد. در همین جدول در شماره ۱۵، عبارت «Q-TAG» به صورت «برچسب سؤالی» برگردان شده است که صحیح نیست و برگردان صحیح آن به صورت «دُم‌سؤالی» است.
- در سطر پنجم ص ۹۹ ذیل تیترا «قالب و ارائه»، لفظ «intrinsic» به صورت «درونی» برگردان شده است که صحیح نیست و شاید برگردان آن به صورت «ذاتی» بهتر باشد.

- در شماره ۸ ص ۱۰۱، لفظ «puzzle-like» به صورت «پازل‌مانند» برگردان شده است. در اینجا لفظ «پازل» به همان صورت انگلیسی آن به کار رفته است و شاید برگردان آن به صورت «معمّوار» بهتر باشد.
- در شماره ۳ ص ۱۰۶، «padded questions» به صورت «پرسش‌های لایه‌ای» برگردان شده است که برگردان درستی نیست و با توجه به مفهوم این عبارت، شاید برگردان آن به صورت «پرسش‌های دارای اِطْناَب» بهتر باشد.
- در سطر آخر ص ۱۱۱، «syllabus with holes» به صورت «برنامه درسی حفره‌دار» برگردان شده است که صحیح نیست و برگردان صحیح آن به صورت «طرح درس حفره‌دار» است.
- در پاراگراف دوم ص ۱۱۲، «parallel syllabus» به صورت «برنامه درسی موازی» برگردان شده است که صحیح نیست و برگردان صحیح آن به صورت «طرح درس موازی» است.
- در سطر دوم ص ۱۱۴ لفظ «transactional» به صورت «فراعاملی» برگردان شده است که صحیح نیست و شاید برگردان آن به صورت «تبادلی» بهتر باشد.
- در سطر سوم ص ۱۱۶، لفظ transformation به صورت «انتقال» ترجمه شد که برگردان جالبی نیست زیرا لفظ یادشده به معنای «گشتار/تغییر» است نه «انتقال».
- در انتهای سطر سوم ص ۱۱۹، عبارت cloze exercise به صورت «تمرین بندشی» ترجمه شد که برگردان جالبی نیست، زیرا عبارت یادشده به معنای «تمرین فهم و ادراک» است نه «بستن/بند آوردن» (زیرا در این تمرین باید جاهای خالی متن/جمله با توجه به معنا با واژه‌های مناسب پُر شود).
- در سطر یازدهم ص ۱۲۷، عبارت «mental process» به صورت «پردازش ذهنی» ترجمه شد که برگردان جالبی نیست، زیرا عبارت یادشده به معنای «فرایند ذهنی» است نه «پردازش ذهنی»

ج- عدم کاربرد معادل واژه‌ها به صورت یکدست

در مواردی معادل واژه‌ها به صورت یکدست در کتاب به کار نرفته‌اند. در ادامه موارد با شماره صفحه مطرح می‌شوند.

- در ص ۱ لفظ course به صورت «دوره درسی» برگردان شده و در ص ۲ (انتهای پاراگراف اول)، ۸ (سطر اول و دوم از پاراگراف اول) و ۹ (سطر دوم از شماره ۲) به صورت «دوره آموزشی» ترجمه شده است.
- برای لفظ assessment در ص ۶ معادل «ارزیابی» و برای لفظ evaluation معادل «ارزشیابی» منظور شده است و در سطر چهارم ص ۱۶ به صورت «ارزشیابی» برگردان شده است.
- در پاراگراف نخست ص ۱۲ برای لفظ validity دو معادل گذاشته شده («روایی» و داخل پرانتز هم «اعتبار» درج شده) که اگرچه هر دو معادل درست است، ولی بهتر بود یکی از آنها به عنوان معادل انتخاب شده و در تمام کتاب به صورت یکدست به کار رود. در ص ۶۲ نیز لفظ validity به صورت «روایی» برگردان شده است.
- در شماره ۴ ص ۱۹ و جدول ۲.۳ ص ۵۳، لفظ «listening»، به صورت «شنیداری»، در ص ۳۴ به صورت «گوش دادن» و در شماره ۳ ص ۱۰۳، انتهای ص ۱۰۵ و ... به صورت «شنیدن» برگردان شده است. این ناهماهنگی در ترجمه لفظ «listening» در شماره ۳ ص ۱۰۶ به اوج خود می رسد.
- لفظ fluency در سطر دوازدهم ص ۲۱ به صورت «سلیسی کلام»، در شماره ۴ ذیل تیتیر کاربرد/اصول به صورت «مهارت»، در ص ۵۳ در جدول ۲.۳ و ذیل شماره ۲ به صورت «تسلط» برگردان شده است.
- لفظ «writing» در ص ۵۳ و ۵۸ و موارد متعدد دیگر به صورت «نوشتاری» و در ص ۵۹ به صورت «نوشتن» برگردان شده است.
- عبارت «graded reader» در شماره ۳ ص ۸۳ به صورت «خواندن درجه بندی شده» و در شماره ۵ ص ۱۰۰ به صورت «متون خواندن درجه بندی شده» برگردان شده است.
- آخرین عبارت ص ۱۰۱، لفظ «fluency development» به صورت «ارتقای سلیسی کلام»، در انتهای پاراگراف نخست ص ۱۰۲ به صورت «بهبود سلیسی کلام»، و در انتهای پاراگراف سوم همین صفحه به صورت «افزایش سلیسی کلام» برگردان شده است.

۵. نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیشتر گفته‌ام، لفظ برنامه‌داری برای کل فرایند آموزشی در یک مؤسسه آموزشی از تدوین هدف‌های آموزشی کلی و جزئی تا تدوین محتوای آموزشی، تعیین روش‌های یاددهی - یادگیری و در نهایت تعیین روش‌های ارزشیابی به‌کار می‌رود. برنامه‌داری زبان در واقع تمام این فرایندها را در حوزه آموزش زبان (دوّم و خارجی) پوشش می‌دهد. با وجود اهمیت موضوع برنامه‌داری زبان در ایران، مقالات چندانی در این باره توسط زبان‌شناسان نظری به رشته تحریر نیامده است (مثلاً صحرائی، ۱۳۹۱) و بیشتر مقالات منتشر شده توسط متخصصان آموزش زبان خارجی (مثلاً عنانی سراب، ۱۳۸۹؛ کیانی، نویدی‌نیا و مؤمنیان، ۱۳۹۰) و یا صرفاً متخصصان برنامه‌داری (مثلاً بیرمی‌پور، لیاقت‌دار و شریف، ۱۳۸۷) تدوین شده است. این مطلب بدان معناست که هنوز مبحث برنامه‌داری برای متخصصان و متولیان امر آموزش زبان چندان جا نیفتاده است. البته این مطلب درباره آموزش انگلیسی به عنوان زبان خارجی به این شدت نیست، چرا که از سال ۱۳۸۴ کمیته‌ای برای تدوین راهنمای برنامه‌داری زبان‌های خارجی (با محوریت زبان انگلیسی در کنار زبان‌های آلمانی و فرانسه) در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (وزارت آموزش و پرورش) تشکیل شده و حاصل کار آنها راهنمای برنامه‌داری زبان‌های خارجی برای مقطع متوسطه بوده است. بخش‌های تشکیل دهنده آن شامل ضرورت وجودی، رویکرد، اهداف، مفهوم‌سازی محتوا، اصول انتخاب محتوا و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری، اصول سنجش و ارزشیابی، صلاحیت‌های حرفه‌ای معلم و روش‌های اشاعه کلیه مؤلفه‌های برنامه‌داری به صورت مرتبط بوده است^۱ (عنانی سراب، ۱۳۸۹). باید دانست این برنامه‌داری هرگز به تصویب نهایی، انتشار و کاربست نرسید. اما در حال حاضر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مشغول تدوین راهنمای حوزه زبانهای خارجی است که در مرحله تدوین قرار دارد و قرار است تا پایان سال جاری جهت تصویب تقدیم شورای عالی آموزش و پرورش شود. اما متأسفانه در بخش آموزش فارسی به عنوان زبان خارجی که بر عهده آموزش عالی است هنوز حتی کمیته‌ای برای تدوین برنامه‌داری آن شکل نگرفته است و هر مرکز آموزشی بر اساس نیاز خود منابع آموزشی تهیه و تدوین می‌کند. بنابراین، تدوین کتاب‌های درسی و حتی کمک‌آموزشی آموزش زبان فارسی به خارجی‌ها در ایران نمی‌تواند تابع اسلوب علمی مدنظر کشورهای پیشرو در زبان‌آموزی باشد. مطالعه صحرائی (۱۳۹۱) نشان داد که از میان ۲۰۳ عنوان کتاب نگاشته‌شده برای آموزش فارسی به عنوان

زبان خارجی (از سال ۱۳۳۴ تا به امروز)، تقریباً همه آنها بر اساس ششم و تجربه شخصی نویسندگان نوشته شده‌اند، هر کدام سبک و سیاق خاص خود را دارند و مبنای زبان‌شناختی و روان‌شناختی ندارند. به این ترتیب روشن می‌شود ترجمه کتاب‌هایی درباره برنامه درسی زبان و روند طراحی آن تا چه اندازه ضرورت دارد و تلاش مترجمان برای برگردان کتاب مورد نظر در این مقاله به زبان فارسی بسیار ضروری و شایسته ستودن است.

این کتاب تلاشی بوده است در جهت تبیین برنامه درسی زبان، مؤلفه‌های آن و مراحل طراحی آن. ضمن قدردانی از مترجمان برای برگردان این کتاب ارزشمند، باید گفت برگردان فارسی کتاب از نظر صوری و محتوایی اشکال‌هایی دارد که باعث می‌شود مترجمان نتوانند در نیل به هدف خود یعنی تبیین برنامه درسی زبان و مؤلفه‌های آن و به‌ویژه مراحل طراحی آن به مخاطب چندان موفق باشند. ایرادهای صوری کتاب شامل کاستی‌های مربوط به ویژگی‌های فنی اثر (جهت انتشار کتاب به صورت چاپ به راست، نداشتن واژه‌نامه انگلیسی به فارسی، نداشتن نمایه موضوعی و نمایه اسمی) و کاستی در ویرایش ادبی (اشکال در پانویس‌ها، عدم رعایت بعضی از نکات دستوری، ناهمواری و ناروانی در متن کتاب) است که مصادیق آنها در متن مقاله به تفصیل مطرح شدند. کاستی‌های محتوایی کتاب نیز شامل جا گذاشتن قسمت‌هایی از متن اصلی و برگردان نکردن آنها، اشکالاتی در معادل‌گذاری الفاظ تخصصی و عدم کاربرد معادل بعضی از واژه‌ها به صورت یکدست در متن کتاب است که در این باره نیز مصادیق مربوط در متن مقاله ارائه شد. این کاستی‌ها اعم از صوری و به‌ویژه محتوایی، باعث شده است که مترجمان به جای بیان روان مطالب کتاب به زبان فارسی، آنها را به شیوه‌ای ناروان و گاه اشتباه مطرح کنند و خواننده نتواند قسمت‌هایی از مطالب کتاب را به راحتی دنبال کرده و بهره کافی از آنها ببرد. با این حال، ترجمه فارسی کتاب «طراحی برنامه آموزش زبان» با تمام نقاط ضعف و اشکال‌هایی که دارد ارزشمند است، چرا که می‌تواند نقطه عطفی در این زمینه باشد و چراغ راه پژوهشگران، مترجمان بعدی و نیز تدوین‌گران برنامه درسی آموزش زبان فارسی به خارجی‌ها (البته پس از تشکیل کمیته موردنظر در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یا هر نهاد مربوط) باشد.

پی‌نوشت

۱. البته این برنامه درسی هم مشکلات خاص خود را دارد و بحث در این باره مجال دیگری می‌طلبد.

کتاب‌نامه

- بیرمی‌پور، ع؛ لیاقت‌دار، م. ج.، و شریف، م. (۱۳۸۷). «بررسی میزان کارآمدی فرایندهای یاددهی-یادگیری و ارزشیابی» برنامه درسی زبان انگلیسی مقطع متوسطه شهر شیراز. «اندیشه‌های نوین تربیتی»، ۴ (۴) - صص ۷۳-۹۵.
- دانای‌طوس، مریم. (۱۳۹۰). «سخن‌گفتن: مهارتی مغفول در زبان فارسی». فصلنامه علمی-پژوهشی نوآوری‌های آموزشی، ۳۷: ۱۲۱-۱۵۰.
- صحرائی، ر. م. (۱۳۹۱). «چشم‌انداز آموزش زبان فارسی به غیرایرانیان از منظر برنامه‌ریزی درسی». پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۴ (۱). صص ۹۷-۱۱۳.
- عنانی سراب، م. ر. (۱۳۸۹). «راهنمای برنامه درسی زبان‌های خارجی دوره متوسطه: فرصت‌ها و چالش‌های تولید و اجرای برنامه». فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۹ (۳۵). صص ۱۷۲-۱۹۹.
- کیانی، غ.، نویدی‌نیا، ح.، و مؤمنیان، م. (۱۳۹۰). «نقد و بررسی طرح ملی: نگاهی دوباره به رویکرد برنامه درسی ملی نسبت به آموزش زبانهای خارجی». پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، ۲ (۲)، صص ۱۸۵ - ۲۰۹.
- مهرمحمدی، محمود؛ امام‌جمعه، محمدرضا؛ حاتمی، جواد؛ موسی‌پور، نعمت‌الله و میرشمشیری، مرجان (۱۳۹۷). برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها (ویزاست ۳). ناشران: به‌نشر (آستان قدس رضوی) و سمت.
- میرزاییگی، ع. (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی درسی و طرح درس در آموزش رسمی و تربیت نیروی انسانی. تهران: یسپرون.
- نیشن، آی.اس.پی و مکالیستر، جان. (۲۰۱۰). طراحی برنامه آموزشی زبان، ترجمه مهین‌ناز میردهقان، شبمن مجیدی، زهرا حاجی باقری و مینا فرهی، چاپ اول، تهران: نشر خاموش.

Glare P.G.W. (ed.). (2000). *Oxford Latin Dictionary*. Oxford: Oxford University Press.

Glatthorn A. 1987. *Curriculum leadership*. Glenview, IL, Scott, Foresman et Co.

Karavas, E. (2014). Evdokia Karavas. *Applied Linguistics to Foreign Language Teaching and Learning. Foreign Language Curriculum and Syllabus Design* (Edition: 1.0). National and Kapodistrian University of Athens. Available at: <http://opencourses.uoa.gr/courses/ENL5/>.

Klein, M. F. (1980). *Curriculum design, international encyclopedia of education*, Neville Postlewait and Torston Husen (Eds), London: Pergamon press.

Nunan, D. (ed.) (2003). *Practical English Language Teaching*. Mc Graw Hill.

Richards, J. C. (2001). *Curriculum Development in Language Teaching*, Cambridge: Cambridge University Press.

Stern, H. 1983. *Fundamental Concepts of Language Teaching*. Oxford: Oxford University Press.

Tyler, R. W. (1949). *Basic Principles of Curriculum and Instruction*, Chicago: University of Chicago Press.

Ulfah Hoesny , M. (2013). "From syllabus design to curriculum development". *Journal of Linguistik terapan, Vol 3 (1)*.

